

مقایسه تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در لهجه‌های محاوره‌ای معیار و اصفهانی در چارچوب نظریه بهینگی

بشیر جم*

استادیار زبان انگلیسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۰/۳۰

دریافت: ۹۳/۸/۱۸

چکیده

شناسه سوم شخص مفرد، یعنی /-ad/ در لهجه محاوره‌ای معیار به صورت [e] و در لهجه اصفهانی به صورت [ed] تلفظ می‌شود. تلفظ معیار نتیجه حذف همخوان /d/ و تبدیل واکه /a/ به [e] است. ولی در لهجه اصفهانی همخوان /d/ حذف نمی‌شود، بلکه فقط واکه /a/ به [e] تبدیل می‌شود. همچنین، در هر دو لهجه محاوره‌ای معیار و اصفهانی اگر آخرین واج فعل واکه /a/ باشد همخوان /d/ حذف نمی‌شود، واکه /a/ نیز به واکه [e] تبدیل نمی‌شود، بلکه حذف می‌شود. در نتیجه، شناسه سوم شخص مفرد به صورت [d] تلفظ می‌شود. هدف این مقاله این است که دلایل تلفظ شناسه سوم شخص مفرد به این سه صورت مختلف، در چارچوب نظریه بهینگی (Vide. Prince & Smolensky, 1993/ 2004) از طریق دست‌یابی به رتبه‌بندی‌های دربرگیرنده از محدودیت‌های مختلف مورد تحلیل و تبیین قرار بگیرد. در این پژوهش پیش از ورود به مباحث نظریه بهینگی استدلال می‌شود که حذف همخوان /d/ زمینه‌چین تبدیل واکه /a/ به [e] در لهجه محاوره‌ای معیار است. همچنین، استدلال می‌شود که اگرچه تبدیل واکه /a/ به [e] در هر دو لهجه محاوره‌ای معیار و اصفهانی رخ می‌دهد، دو محدودیت نشاننداری مختلف عامل رخداد این فرآیند در هریک از این دو لهجه هستند. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: شناسه سوم شخص مفرد، حذف پایانی، بالارفتگی، لهجه اصفهانی، نظریه بهینگی.

۱. مقدمه

در بخش مقدمه پس از معرفی اجمالی شناسه‌ها در زبان پارسی، به فرآیندهای واجی «حذف پایانی»^۱ و «افراشتگی»^۲ که در تلفظ شناسه سوم شخص مفرد رخ می‌دهند پرداخته می‌شود. سپس، در بخش‌های دیگر تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در دو لهجه محاوره‌ای معیار و اصفهانی و همچنین



در بافتی که آخرین واج فعل واکه /a/ است، در چارچوب نظریه بهینگی^۳ (Vide. Prince & Smolensky, 1993/ 2004) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. منظور از لهجه محاوره‌ای معیار، آن‌گونه زبانی است که در گفتار شهروندان تهرانی و همچنین بازیگران تهرانی در فیلم‌ها و سریال‌های صدا و سیما به کار می‌رود. منظور از لهجه اصفهانی نیز همان گونه گفتاری آشنای مردم شهر اصفهان است.

در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در لهجه‌های محاوره‌ای معیار و اصفهانی در چارچوب «نظریه بهینگی» مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که چه محدودیت‌هایی و با چه رتبه‌ای تلفظ‌های مختلف شناسه سوم شخص مفرد را موجب شده‌اند؟

۱-۱. شناسه‌ها

شناسه در زبان پارسی یک تک‌واژ تصریفی چندوجهی^۴ است؛ زیرا همزمان به شخص و شمار دلالت می‌کند (نک. شقاقی، ۱۳۸۷: ۷۲). به لحاظ زمانی شناسه‌های زبان پارسی دو گونه‌اند: گذشته و مضارع (حال و آینده):

(۱) شناسه‌ها

گذشته	مضارع	اول شخص مفرد	گذشته	مضارع	دوم شخص مفرد	گذشته	مضارع	سوم شخص مفرد
/-im/	/-am/	اول شخص جمع	/-im/	/-am/	دوم شخص جمع	/-id/	/-ad/	سوم شخص جمع
/-id/	/-i/		/-id/	/-i/		/-and/		

همان‌گونه که پیداست، شناسه‌های زمان‌های گذشته و مضارع یکسان هستند. تنها استثنا، سوم شخص مفرد است که در زمان گذشته فاقد شناسه می‌باشد. براساس جست‌وجوی نگارنده در برخی منابع به این مورد اشاره شده، ولی به‌جز کلباسی (۱۳۷۵) پژوهش خاصی پیرامون شناسه سوم شخص مفرد انجام نگرفته است.

۱-۲. حذف پایانی

حذف یک آوا از انتهای یک واژه «حذف پایانی» نامیده می‌شود. برای نمونه، اگر در گونه محاوره‌ای زبان پارسی همخوان /d/ در خوشه پایانه هجا پس از یک همخوان سایشی یا همخوان خیشومی /n/

بباید حذف می‌شود. گفتنی است پدیده ذکرشده فرآیندی اختیاری در گونه‌های محاوره‌ای است:

(۲) حذف همخوان‌های پایانی /d/ و /n/

/Gasd/	→	[Gas]	قصد
/tond/	→	[ton]	تند
/dozd/	→	[doz]	دزد
/mozd/	→	[moz]	مزد
/boland/	→	[bolan]	بلند
/tʃand/	→	[tʃan]	چند
/Gand/	→	[Gan]	قند

بی‌جن‌خان (۱۳۸۴: ۲۰۴-۲۰۵) محدودیت نشاننداری مسلط *FircDentPlosive را به‌عنوان عامل رخداد این فرآیند در بافت پس از یک همخوان سایشی مطرح کرده است. طبق این محدودیت خوشه سایشی و انفجاری-دندانی در پایانه هجا مجاز نیست. جم (۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۶۲) نیز ضمن پیروی از بی‌جن‌خان تعدیلی را در تحلیل وی اعمال کرده است. همچنین، جم (همان: ۱۶۲-۱۶۳) محدودیت نشاننداری مسلط *nd را عامل رخداد فرآیند حذف همخوان پایانی /d/ در خوشه پایانه هجا پس از همخوان خیشومی /n/ مطرح کرده است. براساس این محدودیت خوشه متشکل از همخوان‌های /n/ و /d/ در پایانه هجا مجاز نیست. کامبوزیا (۱۳۸۵: ۴۴۵) بیان می‌کند که این فرآیند در چندین گویش ایرانی نیز دیده می‌شود.

۳-۱. افراشتگی

«افراشتگی» فرآیندی است که طی آن ارتفاع یک واکه افزایش یافته و به یک واکه افراشته یا افراشته‌تر تبدیل می‌شود. این فرآیند می‌تواند شامل یکی از موارد زیر باشد:

(۳) انواع افراشتگی

[نیم‌افتاده] ^۶	←	[+ افتاده] ^۵
[نیم‌افراشته] ^۷	←	[+ افتاده]
[+ افراشته] ^۸	←	[+ افتاده]



[نیم‌افراشته]	←	[نیم‌افتاده]
[افراشته]	←	[نیم‌افتاده]
[+ افراشته]	←	[نیم‌افراشته]

واکر بیان می‌کند که در برخی گونه‌های شمالی زبان اسپانیایی واکه‌های نیم‌افراشته به واکه‌های افراشته و واکه‌های افتاده غیر گرد به واکه‌های نیم‌افراشته گرد تبدیل می‌شوند (Vide. Walker, 2004: 787- 800).

(۴) افراشتگی در گونه‌های شمالی زبان اسپانیایی

a. górdos	→	gúrd <u>u</u>	«چاق» (مذکر مفرد/ مذکر جمع)
kordéros	→	kordí <u>r</u> u	«بره» (مذکر مفرد/ مذکر جمع)
b. gato	→	gát <u>u</u>	«گره» (مذکر مفرد)
blanco	→	blán <u>k</u> u	«سفید» (مذکر مفرد شمارش‌پذیر)
c. mátola	→	mátol <u>u</u>	«می‌کشمش»
pájáros	→	páj <u>a</u> ru	«پرنده» (مذکر مفرد/ مذکر جمع)

۲. تحلیل داده‌ها

در این بخش به‌عنوان بخش اصلی مقاله تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در دو لهجه محاوره‌ای معیار و اصفهانی و همچنین در بافتی که آخرین واج فعل واکه /a/ است، در چارچوب نظریه بهینگی تنها از طریق یک مجموعه محدودیت مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین، هیچ‌گونه قاعده‌ای در تحلیل‌ها به کار نمی‌رود. افزون بر این، هیچ‌گونه تعاملی میان قاعده‌ها و محدودیت‌ها برقرار نمی‌شود. زیرا براساس نظر مکارتی نظریه بهینگی یک نظریه مختلط از قاعده‌ها و محدودیت‌ها نیست (Vide. McCarthy, 2002: 243). براساس نظر کگر (Vide. Kager, 1999: 413) در نظریه بهینگی اصول صورت‌گرایی محض SPE با عنوان قاعده‌ها و لایه‌های اشتقاقی میان بازنمایی زیرساختی^۱ و بازنمایی آوایی^۱ مطرح نیست (Vide. Chomsky & Halle, 1968). در نظریه بهینگی بازنمایی زیر ساختی و بازنمایی آوایی به‌ترتیب با عنوان درون‌داد و برون‌داد خوانده می‌شوند. محدودیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ محدودیت‌های پایایی و محدودیت‌های نشاننداری؛ محدودیت‌های پایایی هر گزینه برون‌داد را با صورت متناظر آن در بازنمایی زیرساختی (درون‌داد) مقایسه می‌کنند و هر گونه تغییر را با ستاره‌دار کردن

جریمه می‌کنند. محدودیت‌های نشاننداری به درون‌داد دسترسی ندارند؛ به بیانی روشن‌تر، محدودیت‌های نشاننداری قادر به مقایسه درون‌داد با برون‌داد نیستند، بلکه اگر یک گزینه برون‌داد شرایط را رعایت نکرده باشد، آن را جریمه می‌کنند. سرانجام از میان چند گزینه رقیب، آن گزینه‌ای که بیشترین هماهنگی را با محدودیت (های) بالامرته‌تر داشته باشد، به‌عنوان برون‌داد بهینه برگزیده می‌شود.

۲-۱. تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در پارسی محاوره‌ای معیار

در زبان پارسی محاوره‌ای معیار شناسه سوم شخص مفرد، یعنی /-ad/ در هر دو وجه مضارع اخباری و التزامی به صورت [-e] تلفظ می‌شود. تلفظ این شناسه تحت تأثیر پیشوندهای (mi-) در مضارع اخباری و (be-) در مضارع التزامی نیست؛ برای نمونه، /-ad/ در «می‌بیند» و «بیند» به صورت [-e] تلفظ می‌شود. از این رو، در این مقاله به‌منظور اجتناب از تراکم مطالب فقط نمونه‌های مضارع اخباری مورد تحلیل قرار گرفته است:

(۵) تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در پارسی محاوره‌ای معیار

/mi+ bin+ ad/	→	[mibine]	می‌بیند
/mi+ zan+ ad/	→	[mizane]	می‌زند
/mi+ tab+ ad/	→	[mitabe]	می‌تابد
/mi+ duz+ ad/	→	[miduze]	می‌دوزد
/mi+ paz+ ad/	→	[mipaze]	می‌پزد
/mi+χor+ ad/	→	[miχore]	می‌خورد
/mi+ suz+ ad/	→	[misuze]	می‌سوزد

همان‌گونه که آشکار است، در تلفظ شناسه سوم شخص مفرد به صورت [-e] دو فرآیند رخ داده است: همخوان /d/ حذف شده و واکه پیشین و افتاده /a/ با افزایش ارتفاع به واکه پیشین و نیم‌افراشته [e] تبدیل شده است. فرآیند اول «حذف پایانی» و فرآیند دوم «افراستگی» است. پیرامون ارتباط زمینه‌چینی^{۱۱} بین دو فرآیند حذف همخوان /d/ و تبدیل واکه /a/ به [e] سه فرضیه مطرح می‌شود:

فرضیه نخست: فرآیند تبدیل واکه /a/ به [e] زمینه‌چین فرآیند حذف همخوان /d/ است:



(۶) افراشتگی زمینه‌چین حذف پایانی

/mi+ bin+ ad/	بازنمایی زیرساختی
mibined	افراشتگی
mibine	حذف پایانی
[mibine]	بازنمایی آوایی

فرضیه دوم: فرآیند حذف همخوان /d/ زمینه‌چین فرآیند تبدیل واکه /a/ به [e] است.

(۷) حذف پایانی زمینه‌چین افراشتگی

/mi+ bin+ ad/	بازنمایی زیرساختی
mibina	حذف پایانی
mibine	افراشتگی
[mibine]	بازنمایی آوایی

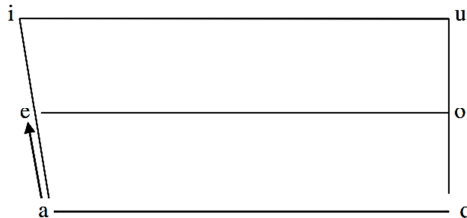
فرضیه سوم: این دو فرآیند مستقل از هم رخ داده‌اند و هیچ رابطه زمینه‌چینی بین آن‌ها وجود

ندارد.

پیش از بررسی این سه فرضیه باید به این نکته اشاره کرد که حذف همخوان پایانی /d/ در زبان پارسی خاص شناسه سوم شخص مفرد نیست، بلکه همان‌گونه که در بخش حذف پایانی بیان شد، در دو بافت دیگر نیز رایج است.

با بررسی فرضیه نخست نمی‌توان دلیلی یافت که فرآیند تبدیل واکه /a/ به [e] زمینه‌چین رخداد فرآیند حذف همخوان /d/ باشد. ضمن این‌که اساساً دلیل تبدیل واکه /a/ به [e] مشخص نیست. ولی دلیلی وجود دارد که ثابت می‌کند فرآیند حذف همخوان /d/ زمینه‌چین تبدیل واکه /a/ به [e] بوده است؛ بدین‌صورت که حذف همخوان /d/ از انتهای واژه موجب شده که واکه /a/ ناگزیر در انتهای واژه قرار بگیرد. ولی وجود واکه /a/ در انتهای واژه‌های زبان پارسی معیار رایج نیست؛ زیرا به‌استثنای دو واژه «و» و «نه» آخرین واج هیچ واژه‌ای در زبان پارسی واکه /a/ نیست. از این‌رو، مشخص می‌شود که حذف همخوان /d/ زمینه‌چین تبدیل واکه /a/ به واکه [e] شده است. در نتیجه، فرضیه دوم درست است و بدین‌ترتیب فرضیه سوم نیز که منکر هرگونه رابطه زمینه‌چینی است، رد می‌شود. تبدیل واکه /a/ به واکه [e] روی نوزنقه واکه‌های زبان پارسی نشان داده شده است:

(۸) ذوزنقه‌ واکه‌های زبان پارسی (نک. شیخ سنگ‌تجن و بی‌جن‌خان، ۱۳۹۲)



رخداد فرآیند حذف همخوان /d/ در شناسه سوم شخص مفرد حاکی از این واقعیت است که در زبان پارسی یک محدودیت نشاننداری وجود دارد که مانع تلفظ این همخوان در این شناسه در گونه محاوره‌ای می‌شود. این محدودیت را می‌توان به صورت زیر صورت‌بندی و تعریف کرد:

(9) 3-PERS, SING ENDING: *d]

رخداد همخوان /d/ در شناسه سوم شخص مفرد مجاز نیست.

این محدودیت نشاننداری با الگوبرداری از محدودیت $[\text{stem } \text{ø}]$ (Vide. 2- PERS, SING: C) (MacBride, 2004: 127) صورت‌بندی شده است. همچنین، به منظور کوتاه کردن صورت این محدودیت شکل کوتاه‌شده آن [3-P, SG END: *d] به کار خواهد رفت. محدودیت پایایی ضد حذف MAX (McCarthy & Prince 1995) در برابر این محدودیت قرار دارد و حذف همخوان /d/ را در برون‌داد جریمه می‌کند. همچنین، دلیل نبود واکه /a/ در انتهای واژه‌های زبان پارسی معیار، یک محدودیت نشاننداری است که مانع وجود این واکه در این بافت می‌شود. این محدودیت را می‌توان با الگوبرداری از محدودیت $[\text{æ}r]_{\sigma}$ (Kager, 1999: 260) به شکل زیر صورت‌بندی و تعریف کرد:

رخداد واکه [a] در انتهای واژه مجاز نیست. (10) *a]

از آنجا که واکه افتاده /a/ به واکه نیم‌افراشته [e] تبدیل می‌شود، محدودیت پایایی IDENT [low] که تبدیل مشخصه [+ افتاده] به [- افتاده] را در یک صورت برون‌داد نسبت به صورت متناظر آن در برون‌داد جریمه می‌کند، با محدودیت نشاننداری [a] در تعارض است. تسلط محدودیت‌های نشاننداری [3-P, SG END: *d] و [a] بر محدودیت‌های پایایی MAX و IDENT [low] در رتبه‌بندی (۱۱) تبیین‌کننده رخداد فرآیندهای «حذف پایانی» و «افراستگی» در شناسه سوم شخص مفرد در گونه محاوره‌ای معیار است:

(11) *a] >> 3-P, SG END: *d] >> MAX >> IDENT [low]

واژه «می‌بیند» به نمایندگی از واژه‌های (۵) در تابلوی ۱ مورد تحلیل قرار گرفته است:



تابلوی ۱ پارسی محاوره‌ای معیار

Input: /mi+bin+ad/	*a]	3-P, SG END: *d]	MAX	IDENT[low]
a. [mibine]			*	*
b. [mibined]		*!		*
c. [mibinad]		*!		
d. [mibin]			**!	
e. [mibina]	*!		*	

همان‌گونه که در تابلوی «۱» آشکار است، گزینه «e» به دلیل وجود واکه [a] در انتهای خود محدودیت مسلط *a را نقض کرده و در همان ابتدا از رقابت کنار رفته است. سپس، گزینه‌های «b» و «c» که به ترتیب در گونه رسمی و لهجه اصفهانی به کار می‌روند، به دلیل وجود همخوان [d] در شناسه سوم شخص مفرد از محدودیت [3-P, SG END: *d] تخطی کرده و آن‌ها نیز از رقابت حذف شده‌اند. این نشان می‌دهد که گونه رسمی و لهجه اصفهانی در پارسی محاوره‌ای معیار به کار نمی‌روند. سرانجام رقابت گزینه‌های «a» و «d» که دو محدودیت بالامرتبه را رعایت کرده‌اند به محدودیت ضد حذف MAX کشیده می‌شود؛ در هر دو گزینه همخوان /d/ی شناسه حذف شده است. بنابراین، هر دو با یک ستاره جریمه می‌شوند. تا اینجا هر دو گزینه در تعداد جریمه برابرند؛ ولی گزینه «d» که واکه /a/ و در واقع، کل شناسه در آن حذف شده است، یک ستاره دیگر از محدودیت MAX دریافت می‌کند. در نتیجه، گزینه «a» که یک ستاره کمتر دریافت کرده به‌عنوان برون‌داد بهینه برگزیده می‌شود.

۲-۲. تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در لهجه اصفهانی

در لهجه اصفهانی شناسه سوم شخص مفرد، یعنی /-ad/ به صورت [-ed] تلفظ می‌شود:

(۱۲) تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در لهجه اصفهانی

/mi+ bin+ ad/	→	[mibined]	می‌بیند
/mi+ zan+ ad/	→	[mizened]	می‌زند
/mi+ tab+ ad/	→	[mitabed]	می‌تابد
/mi+ duz+ ad/	→	[miduzed]	می‌دوزد
/mi+ paz+ ad/	→	[mipezed]	می‌پزد
/mi+χor+ ad/	→	[mixored]	می‌خورد
/mi+ suz+ ad/	→	[misuzed]	می‌سوزد

همان‌گونه که آشکار است، در لهجه اصفهانی همخوان /d/ در شناسه سوم شخص مفرد حذف نمی‌شود، بلکه فقط واکه /a/ به [e] تبدیل می‌شود. پس در این لهجه تنها فرآیند افزایشی رخ داده است. پیشتر، پیرامون لهجه محاوره‌ای معیار استدلال شد که دلیل تبدیل واکه /a/ به [e]، قرار گرفتن واکه /a/ در انتهای واژه در اثر حذف همخوان /d/ بوده است. در پی آن محدودیت نشاننداری [a*] که رخداد واکه /a/ در انتهای واژه‌های زبان پارسی را مجاز نمی‌شمارد، موجب تبدیل این واکه به واکه [e] شده است. محدودیت [a*] در لهجه اصفهانی نیز رتبه بالایی دارد. ولی با توجه به این‌که در تلفظ اصفهانی این واژه‌ها واکه /a/ در انتهای واژه قرار ندارد، این محدودیت نمی‌تواند عامل تبدیل واکه /a/ به واکه [e] باشد. پس یک محدودیت دیگر باید عامل تبدیل واکه /a/ به واکه [e] در شناسه سوم شخص مفرد در لهجه اصفهانی باشد. باید گفت که تبدیل واکه /a/ به واکه [e] در لهجه اصفهانی فقط خاص شناسه سوم شخص مفرد نیست، بلکه رخداد آن در بافت‌های دیگر نیز بسیار زیاست. در واقع یکی از ویژگی‌هایی که لهجه اصفهانی به آن معروف است، تبدیل واکه /a/ به واکه [e] می‌باشد. در ضمن، هنگامی می‌توان از رخداد یک فرآیند واجی سخن گفت که مشخص باشد کدام بازنمایی، زیرساختی است. بر این اساس، از حاصل جمع سه دلیل زیر مشخص می‌شود که /a/ واکه زیرساختی در واژه‌های لهجه اصفهانی است:

الف. شباهت بسیار زیاد دو گونه محاوره‌ای معیار و اصفهانی حاکی از این واقعیت است که بازنمایی واجی هر دو یکی است. بنابراین، آن‌ها دو لهجه یا گونه زبان معیار هستند. هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲) نیز آن‌ها را دو گونه زبان معیار در نظر گرفته‌اند.

ب. بررسی تمام داده‌های این پژوهش در فرهنگ معین مشخص کرد که همگی دارای واکه پیشین /a/ در پارسی میانه به‌عنوان مادر لهجه معیار و اصفهانی بوده‌اند.

پ. واکه /a/ بدون هیچ‌گونه تغییری در تعداد زیادی از لهجه‌ها و گویش‌های پارسی به کار می‌رود.

واژه‌های زیر نمونه‌هایی از این دست هستند:

(۱۳) تبدیل واکه /a/ به [e] در لهجه اصفهانی

/falace/	→	[felece]	فلکه
/χabar/	→	[χaber]	خبر
/pedar/	→	[peder]	پدر
/madar/	→	[mader]	مادر
/-tar/	→	[-ter]	- تر (پسوند تفضیلی)



/namac/	→	[namec]	نمک
/calac/	→	[celec]	کلک
/ast/	→	[es]	است

(مانند تلفظ جمله «خوب است» به صورت [χobes])

بر اساس نظر جم (۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۵)، کامبوزیا و دیگران (۲۰۰۹) و هادیان و علی‌نژاد (۱۳۹۲) در لهجه اصفهانی چنانچه هسته هر دو هجای اول و دوم یک واژه در زیرساخت واکه /a/ باشد، واکه هجای دوم در روساخت، یک درجه افراشته شده و به [e] تبدیل می‌شود و دو واکه با یکدیگر ناهمگون می‌شوند؛ مانند تلفظ واژه‌های پدر، خبر و کلک در نمونه‌های (۱۳). همچنین، در نمونه‌های (۱۲) نیز در واژه‌های «می‌زند» و «می‌پزد»، واکه /a/ در ستاک فعل به واکه [e] تبدیل شده است. همان‌گونه که آشکار است، در لهجه اصفهانی تبدیل واکه /a/ به واکه [e] به‌طور زیاده‌بافت‌ها و واژه‌های گوناگونی رخ می‌دهد. محدودیتی که موجب این تبدیل در شناسه سوم شخص مفرد در لهجه اصفهانی می‌شود، در (۱۴) ارائه و تعریف شده است:

رخداد واکه /a/ در شناسه سوم شخص مفرد مجاز نیست. 3-P, SG END: *[a] (14) گفتنی است شرایط قیدشده در محدودیت 3-P, SG END: *[a] هیچ‌گونه تداخل یا تعارضی با شرایط قیدشده در محدودیت [a] ندارد. از این رو، هیچ‌یک بر دیگری تسلط ندارد و هر دو محدودیت، هم‌رتبه هستند. به همین دلیل بین آن‌ها در رتبه‌بندی (۱۵)، یک ویرگول و در تابلوهای «۲» نقطه‌چین قرار داده شده است. همچنین، از آنجا که برخلاف لهجه معیار در لهجه اصفهانی هیچ حذفی صورت نمی‌گیرد، محدودیت پایایی MAX باید بر سایر محدودیت‌ها مسلط باشد. رتبه‌بندی (۱۵) تبیین‌کننده رخداد فرآیند «افراشتگی» در شناسه سوم شخص مفرد در لهجه اصفهانی است:

(15) MAX >> 3-P, SG END: *[a], *a >> 3-P, SG END: *d >> IDENT [low]

واژه «می‌بیند» به نمایندگی از واژه‌های (۱۲) در تابلوی «۲» مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلوی ۲ لهجه اصفهانی

Input: /mi+bin+ad/	MAX	3-P, SG END: *[a]	*a]	3-P, SG END: *d]	IDENT [low]
a. [mibined]				*	*
b. [mibinad]		*!		*	
c. [mibine]	*!				*
d. [mibina]	*!	*	*		
e. [mibin]	**!				

همان‌گونه که در تابلوی «۲» آشکار است، گزینه‌های «c» و «d» به دلیل حذف همخوان /d/ ی شناسه هر کدام یک‌بار جریمه شده‌اند. گزینه «c» که افزون بر همخوان /d/، واکه /a/ و در واقع کل شناسه در آن حذف شده است، دو ستاره از محدودیت MAX دریافت کرده است. از این رو، این سه گزینه از رقابت کنار می‌روند. سرانجام رقابت گزینه‌های «a» و «b» که محدودیت MAX را رعایت کرده‌اند به محدودیت *[a]: 3-PERS, SING ENDING کشیده می‌شود؛ در این مرحله گزینه پایایی «b» که دارای واکه [a] می‌باشد، این محدودیت را نقض کرده است. ولی گزینه «a» که در آن واکه /a/ به واکه [e] تبدیل شده است، این محدودیت را رعایت کرده و به‌عنوان برون‌داد بهینه برگزیده شده است.

۳-۲. تلفظ شناسه سوم شخص مفرد در پی فعل‌های مختوم به واکه /a/

در واژه‌های زیر آخرین واج فعل، واکه /a/ است. تلفظ این واژه‌ها در هر دو لهجه محاوره‌ای معیار و اصفهانی یکسان است:

(۱۶) فعل‌های مختوم به واکه /a/

/mi+ pa+ ad/	→	[mipad]	می‌پاید
/mi+ za+ ad/	→	[mizad]	می‌زاید
/mi+ tʃa+ ad/	→	[mitʃad]	می‌چاید
/mi+ a+ ad/	→	[mijad]	می‌آید

همان‌گونه که پیداست، در این بافت همخوان /d/ حذف نمی‌شود. واکه /a/ نیز به واکه [e] تبدیل نمی‌شود، بلکه حذف می‌شود. با نگرستن به درون‌داد این واژه‌ها مشخص می‌شود که افزوده شدن شناسه سوم شخص مفرد به فعلی که آخرین واج آن واکه /a/ است، باعث ایجاد «التقای واکه‌ها»^{۱۳} شده که در زبان پارسی مجاز نیست و باید برطرف شود. التقای واکه‌ها وضعیتی است هیچ همخوانی مابین واکه‌ها یا به بیانی فنی‌تر، هسته‌های دو هجای مجاور وجود نداشته باشد. این وضعیت هنگامی روی می‌دهد که در دو هجای مجاور، هجای سمت چپ فاقد پایانه و هجای سمت راست فاقد آغاز باشد. التقای واکه‌ها به دو شیوه برطرف می‌شود؛ درج یک همخوان میانجی در آغاز تهی هجای سمت راست یا حذف یکی از دو واکه. در تلفظ رسمی این واژه‌ها التقای واکه‌ها با درج همخوان میانجی /z/ در آغاز تهی شناسه برطرف می‌شود؛ برای نمونه، واژه «می‌پاید» به صورت [mi.pa.jad] تلفظ می‌شود؛ ولی همان‌گونه که آشکار است، در گونه محاوره‌ای از بین

واکه شناسه و واکه ستاک فعل، واکه شناسه یعنی /a/ حذف شده است. دو محدودیت عامل رخداد این فرآیند هستند؛ محدودیت نشانداری *HIATUS (116-117: 2002: McCarthy, Vide) و محدودیت پایایی (stem) MAX که به ترتیب ضد التقای واکه‌ها و ضد حذف واج‌های ستاک هستند (Vide. Wolf, 2009). به دلیل مجاز نبودن التقای واکه‌ها در زبان پارسی محدودیت نشانداری *HIATUS دارای رتبه بالایی است. محدودیت پایایی (stem) MAX نیز به این دلیل که نسبت به MAX شرایط خاص‌تری را قید می‌کند، بر آن تسلط دارد. همچنین به منظور جلوگیری از درج همخوان میانجی [j] در گونه محاوره‌ای، محدودیت ضد درج DEP باید به رتبه‌بندی افزوده شود. رتبه‌بندی (۱۷) تبیین‌کننده رخداد فرآیند حذف واکه شناسه در واژه‌های (۱۶) است:

(17) *HIATUS >> MAX(stem) >> DEP >> MAX >> 3-P, SG END: *[a], *a >> 3-P, SG END: *d >> IDENT [low]

واژه «می‌چاید» به نمایندگی از واژه‌های (۱۶) در تابلوی «۳» مورد تحلیل قرار گرفته است:

تابلوی ۳ فعل مختوم به واکه /a/ - یک مورد التقای واکه‌ها

Input: /mi+tʃa+ad/	*HIA TUS	MAX (stem)	DEP	MAX	3-P, SG END: *[a]	*a	3-P, SG END: *d	IDENT [low]
a. [mitʃad]				*			*	*
b. [mitʃajad]			*!		*		*	*
c. [mitʃaad]	*!				*		*	
d. [mitʃa]				**!				
e. [mitʃad]		*!		*	*		*	*
f. [mitʃed]		*!		*			*	*
g. [mitʃa]		*!		**	*	*		
h. [mitʃe]		*!		**				*

همان‌گونه که در تابلوی «۳» آشکار است، گزینه پایایی «c» به دلیل التقای واکه‌ها به صورت [aa] محدودیت بالامرتبه *HIATUS را نقض کرده و در همان ابتدا از رقابت کنار رفته است. در مرحله بعد گزینه‌های «e»، «f»، «g» و «h» به دلیل حذف واکه ستاک فعل یعنی /a/ از محدودیت MAX (stem) تخطی کرده و از رقابت کنار رفته‌اند. سپس، گزینه «b» که در گونه رسمی به کار می‌رود، به دلیل درج همخوان میانجی [j] محدودیت ضد درج DEP را نقض کرده و از رقابت حذف می‌شود. سرانجام رقابت گزینه‌های «a» و «d» که سه محدودیت بالامرتبه‌تر را رعایت کرده‌اند، به محدودیت ضد حذف MAX کشیده می‌شود؛ در هر دو گزینه واکه /a/ شناسه حذف شده است. بنابراین، هر دو با یک ستاره جریمه می‌شوند. تا اینجا هر دو گزینه در تعداد جریمه برابرند؛ ولی

گزینه «d» که همخوان /d/ و درواقع، کل شناسه در آن حذف شده است، یک ستاره دیگر از محدودیت MAX دریافت می‌کند. در نتیجه، گزینه «a» که یک ستاره کمتر دریافت کرده، به‌عنوان برون‌داد بهینه برگزیده می‌شود.

در تابلوی «۴» واژه «می‌آید» مورد تحلیل قرار گرفته است. این واژه با سایر واژه‌های (۱۶) یک تفاوت دارد؛ افزون بر حذف واژه شناسه، یک فرآیند دیگر یعنی درج همخوان میانجی [j] در آن رخ داده است: برون‌داد این واژه (/mi+a+ ad/) حاکی از بروز دو مورد التقای واکه‌ها شامل التقای واکه /a/ با واکه‌های /i/ و /a/ می‌باشد. اما برون‌داد آن ([mijad]) حاکی از آن است که هر دو شیوه برطرف کردن التقای واکه‌ها در آن به کار رفته است؛ بین واکه‌های /i/ و /a/ همخوان میانجی [j] درج و واکه /a/ حذف شده است. به‌رغم این تفاوت، همان رتبه‌بندی (۱۷) قادر به تبیین رخداد هر دو فرآیند حذف واکه شناسه و درج همخوان میانجی است:

تابلوی ۴ فعل مختوم به واکه /a/ - دو مورد التقای واکه‌ها

Input: /mi+a+ad/	*HIA TUS	MAX (stem)	DEP	MAX	3-P, SG END: *[a]	*a]	3-P, SG END: *d]	IDENT [low]
a. [mijad]			*	*			*	
b. [mijaad]	*!		*		*		*	
c. [mijaad]	*!		*	*	*		*	
d. [mijad]		*!	*	*	*		*	
e. [mijajad]			**!		*		*	
f. [mijajed]			**!				*	*
g. [mijaje]			**!	*				*
h. [mijaaja]			**!	*	*	*		
i. [mijaad]	**!				*		*	

همان‌گونه که در تابلوی «۴» آشکار است، گزینه پایایی «i» به دلیل دو مورد التقای واکه‌ها به صورت [ia] و [aa] محدودیت بالامرئیه HIATUS* را دوبار نقض کرده و همراه با گزینه‌های «b» و «c» که آن را یکبار نقض کرده‌اند، در همان ابتدا از رقابت کنار رفته است. در مرحله بعد گزینه «d» به دلیل حذف واکه ستاک فعل، یعنی /a/ از محدودیت MAX (stem) تخطی کرده و از رقابت کنار رفته است. سرانجام، هریک از گزینه‌های «e»، «f»، «g» و «h» به دلیل دو مورد درج همخوان میانجی [j]، محدودیت ضد درج DEP را دوبار نقض کرده‌اند؛ ولی گزینه «a» که فقط یک مورد

همخوان میانجی [j] در آن درج شده، این محدودیت را یکبار نقض کرده است. در نتیجه، گزینه «a» که یکبار کمتر جریمه شده، به عنوان برون داد بهینه برگزیده می شود.

۳. نتیجه گیری

نتایج این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. تلفظ شناسه سوم شخص مفرد، یعنی /-ad/ به صورت [-e] تحت تأثیر پیشوندهای (mi-) در مضارع اخباری و (be-) در مضارع التزامی نیست.
۲. استدلال شد که حذف همخوان /d/ زمینه چین رخداد تبدیل واکه /a/ به [e] بوده است.
۳. استدلال شد که دلیل نبود واکه /a/ در انتهای واژه های زبان پارسی معیار و لهجه اصفهانی، محدودیت نشاننداری [a]* است که مانع وجود این واکه در این بافت می شود.
۴. در لهجه اصفهانی همخوان /d/ در شناسه سوم شخص مفرد حذف نمی شود، بلکه فقط واکه /a/ به [e] تبدیل می شود.
۵. تبدیل واکه /a/ به واکه [e] در لهجه اصفهانی فقط خاص شناسه سوم شخص مفرد نیست، بلکه رخداد آن در بافت های دیگر نیز بسیار زیاست. در واقع، یکی از ویژگی هایی که لهجه اصفهانی به آن معروف است، تبدیل واکه /a/ به واکه [e] می باشد.
۶. استدلال شد با توجه به این که در تلفظ اصفهانی این واژه ها واکه /a/ در انتهای واژه قرار ندارد، محدودیت [a]* نمی تواند عامل تبدیل واکه /a/ به واکه [e] باشد؛ پس محدودیت [a]* 3- ENDING: PERS, SING که رخداد واکه /a/ در شناسه سوم شخص مفرد را مجاز نمی شمارد، عامل این تبدیل در لهجه اصفهانی است.
۷. در هر دو لهجه محاوره ای معیار و اصفهانی اگر آخرین واج فعل واکه /a/ باشد، همخوان /d/ حذف نمی شود، واکه /a/ نیز به واکه [e] تبدیل نمی شود، بلکه حذف می شود.
۸. افزوده شدن شناسه سوم شخص مفرد به فعلی که آخرین واج آن واکه /a/ است، باعث ایجاد «التقای واکه ها» در درون داد شده است. التقای واکه ها در تلفظ رسمی این واژه ها با درج همخوان میانجی /j/ در آغاز تهی شناسه و در گونه محاوره ای از طریق حذف واکه شناسه یعنی /a/ برطرف می شود.
۹. استدلال شد که محدودیت نشاننداری HIATUS* که ضد التقای واکه هاست و محدودیت پایایی MAX (stem) که ضد حذف واج های ستاک است عامل حذف واکه /a/ هستند.
۱۰. در درون داد واژه «می آید» دو مورد التقای واکه ها وجود دارد. هر دو شیوه برطرف کردن التقای واکه ها شامل درج همخوان میانجی [j] و حذف واکه /a/ در آن به کار رفته است. به رغم این تفاوت، همان رتبه بندی (۱۷) قادر به تبیین رخداد هر دو فرآیند حذف واکه شناسه و درج همخوان میانجی است.

۱۱. نوآوری این مقاله دو مورد است: الف. این نخستین باری است که دلیل تلفظ‌های مختلف شناسه سوم شخص مفرد در یک چارچوب نظری مورد تبیین قرار می‌گیرد؛ ب. به‌رغم برشمردن انواع ویژگی‌های لهجه اصفهانی در پژوهش‌های مختلف، تاکنون در هیچ پژوهشی به تلفظ شناسه سوم شخص مفرد به‌صورت [ed] در این لهجه اشاره‌ای نشده است.

۴. پی‌نوشت‌ها

1. apocope
2. raising
3. Optimality Theory(OT)
4. portmanteau morpheme
5. open
6. open- mid
7. close- mid
8. close
9. underlying representation
10. phonetic representation
11. feeding
۱۲. براساس این محدودیت در انتهای فعل دوم شخص مفرد باید توالی یک همخوان و [ǝ] وجود داشته باشد.
13. hiatus

۵. منابع

- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی: نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- جم، بشیر (۱۳۸۸). *نظریه بهینگی و کاربرد آن در تبیین فرآیندهای واجی زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۷). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین و بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۲). «بررسی ماهیت صوت‌شناختی واکه‌های فارسی در هجاهای CV گفتار اظهاری». *دوفصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌پژوهی* (دانشگاه الزهرا). س ۴، ش ۸، صص ۹۷-۱۱۶.
- کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالییه (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۵). «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی». *فصلنامه فرهنگ*. س ۹، ش ۱، صص ۲۷-۳۵.
- هادیان، بهرام و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۲). «فرآیندهای واجی لهجه اصفهانی و زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی». *جستارهای زبانی*. د ۴، ش (پیاپی ۱۵)، صص ۲۱۹-۲۳۵.



References:

- Bijankhan, M. (2005). *Phonology: Optimality Theory*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Chomsky, N. & M. Halle (1968). *The Sound Pattern of English*. New York: Harper & Row.
- Hadian, B. & B. Alinejad (2013). "An Optimality-Theoretic Account of Phonological Processes of Standard and Esfahani Persian". *Language Related Research*. Vol. 15 (4). Pp. 219-235 [In Persian].
- Jam, B. (2009). *Optimality Theory and Its Application in Explaining Phonological Processes of Persian*. Ph.D. Dissertation, Tarbiat Modarres University. Tehran [In Persian].
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalbasi, I. (1996). "Third person singular ending in Persian gerunds". *Farhang*. Vol. 17. Pp. 27-35 [In Persian].
- Kambouzia, A. K. Z. (2006). *Phonology: Rule- Based Approaches & their Applications in Persian*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Kambuziya K. Z. A.; F. Aghagolzadeh; A. Golfam & B. Jam (2009). "An Optimality-Theoretic Account of Dissimilation in Persian". *Intl. J. Humanities* Vol. 16 (2). Pp. 59-74).
- MacBride, A. I. (2004), *A constraint-based approach to morphology*. Ph.D. Dissertation. University of California.
- McCarthy, J. & A. Prince (1995). "Faithfulness and reduplicative identity". In J. Beckman; L. Walsh Dickey & S. Urbanczyk, (eds). *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18: Papers in Optimality Theory*. (Pp. 249-384). Amherst: GLSA.
- McCarthy, J. (2002). *A Thematic Guide to Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Prince, A. & P. Smolensky (1993/ 2004). *Optimality Theory: Constraint Interaction in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- Shaghghi, V. (2008). *An Introduction to Morphology*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Walker, R. (2004). "Vowel Feature Licensing at a Distance: Evidence from Northern Spanish Language Varieties" . In: *WCCFL 23 Proceedings*, eds. B. Schmeiser, V.

- Chand, A. Kelleher and A. Rodriguez. Pp. 787-800. Somerville, MA: Cascadilla Press.
- Wolf, M. (2009). Mutation and learnability in Optimality Theory. In Anisa Schardl, Martin Walkow, and Muhammad Abdurrahman (eds.), *Proceedings of the Thirty-Eighth Annual Meeting of the North East Linguistic Society*. Vol. 2, Pp. 469-482.